

فرقه فوتبال

درباره فوتبال، سینما و زندگی

می‌کوشد به تصویر بکشد، در نهایت وقتی مثل هر فیلم روایی باید از روی نسخه چاپ شده یک نور سلولوئید بر پرده به «نمایش» آید، آن واقعییتی است که سینماتوگراف می‌سازد. واقعییتی است که «بازنمایی» و واقعیت بیرون است. همین و بس. سینماتوگراف نه می‌تواند و نه رسالتی دارد که واقعیت بیرون را ثبت کند. سینماتوگراف واقعیت را می‌سازد؛ واقعیت خودش و نشان می‌دهد که «هرچه می‌بینیم آمیزه‌ای است از خیال و دانایی و وجود.» این نکته‌ها در حقیقت اشاره به جوهر و طبیعت استیلیزه و پالایش یافته جهان هرگونه فیلم یا اثر سینماتوگرافیک است. به بیان ساده‌تر: سینما چنانچه بهرام بیضائی خاطرنشان کرده است به تمامی «تصنع» است و واقعیت را به دست نمی‌آورد مگر از راه تصنع. «هرگاه تصنع را به شکل یک کار پالایش یافته درآوریم از آن هنر ساخته می‌شود. هر واقعیتی برای اینکه به هنر بدل شود از پل تصنع می‌گذرد و راه دیگری ندارد. این قانون اولیه تاتر، سینما، نقاشی و هنرهای دیگر است.»

بدین‌سان ضروری است در هر بحثی از نسبت میان سینما و فوتبال به این تقابل دقت کنیم: واقعییتی که سینما می‌سازد، واقعییتی سینمایی در برابر واقعیت روزمره فوتبال. از راه دقت به تقابل میان واقعیت سینمایی و واقعیت روزمره و کشف نسبت میان آنها است که می‌توانیم تفاوت دیگر مواجهه (یا زیارت)مان از یک فیلم (و به تبع از یک فیلم کالت) را با مواجهه (یا زیارت)مان از یک بازی فوتبال دریابیم و به ادراک آوریم. در حالی که واقعیت سینمایی (به همراه وجود و دانایی و خیال درون آن) زنده می‌ماند و حاضر است، یک بازی فوتبال واقعییتی است که از دست می‌رود و غایب می‌شود. به اعتبار این نکته‌ها و بحث‌ها، من می‌توانم با آکراه و سستی این نظر را بپذیرم که دیه‌گو مارادونا یا اریک کانتونا یا ورزشگاه ماراکانا یا برزیل هر کدام یک کالت هستند اما هرگز نمی‌توانم بپذیرم به رغم اینکه هر «چیز»ی امکان کالت شدن را دارد، یک بازی خاص فوتبال بتواند به کالت بدل شود. اگر بنا به این باشد، تمام بازی‌های تاریخ فوتبال جهان می‌توانند کالت باشند و این ممکن نیست. درست به همان دلیل که همه فیلم‌های تاریخ سینما «نمی‌توانند» کالت باشند. بازی ۸۶، فقط یک خاطره صرف است و حتی از آن خاطراتی نیست که در تحلیلی کالت به کار آید. حق با اومبرتو اکو

آهنگ موسیقی، اصل کتاب، اصل فیلم، اصل چیز کالت را هر بار و هر لحظه پیرستم یا زیارت کنم. می‌توانم با اصل کالت، هر بار، پیمان دلدادگی را تجدید کنم. بدین‌سان اصل کالت همواره حاضر است. اصل یک مسابقه فوتبال، اما، نه همواره، بلکه تنها و تنها یک بار حاضر شده و به رویدادگی خواهد آمد. تنها و تنها یک بار. اصل یک مسابقه فوتبال، همواره «غایب» است. تکنولوژی هرگز نمی‌تواند این اصل را باری دیگر به رویدادگی بیاورد. هر نسخه تکنولوژیکی از یک مسابقه فوتبال (حتی آن ضیافت سه بعدی هنوز نامکشوفی که ژاپنی‌ها وعده رونمایی‌اش را به سال ۲۰۲۲ و جام جهانی قطر داده‌اند)، هرگز نمی‌تواند و این امکان را ندارد که یک نسخه اصل آن مسابقه باشد. این، جوهر و طبیعت تغییرناپذیر این پدیده است. زیارت (یا تماشای) تصاویر ضبط شده تلویزیونی یک بازی فوتبال، حالا به هر شکل فناورانه‌اش، با زیارت (یا تماشای) یک فیلم کالت تفاوت‌های بنیادی دارد. فیلم کالت، پسان هر فیلم دیگری، قطعه‌ای از زمان است که تا ابد به یک شکل باقی می‌ماند و بدین‌سان چیزی «بی‌زمان» است. یک مسابقه خاص فوتبال، مثل هر مسابقه فوتبال دیگر اما قطعه‌ای از زمان است که برای ابد از کف می‌رود و دقیق‌تر بگویم: برای ابد از شکل می‌افتد. اگر سینما یک جا از فوتبال پیش افتاده، دقیقاً همین‌جا است: سینما یعنی پیروزی رؤیایی، باورناپذیر و به‌ظاهر ناممکن آدمی بر زمان. در فوتبال، اما، زمان ما را شکست می‌دهد. فوتبال سند اثبات آن سخن فیلسوفی یونانی از عهد پیشا سقراطی است: هراکلیتوس فرزانه بود که گفت: «در یک رودخانه دو بار وارد نمی‌توان شد.» فوتبال یعنی همین. اینگمار برگمان در زندگینامه خود نوشت‌اش، «فانوس خیال» سخن خود را درباره آندری تارکوفسکی چنین آغاز می‌کند: «سینما اگر از فیلم مستند بگذریم، رؤیاست و...» از این گفته چنین برمی‌آید که استاد سوئدی میان فیلم روایی و فیلم مستند فرق گذاشته است و البته چنین هم می‌نماید که بحث او به گزراه یک خطای نظری درباره نسبت واقعیت فیلم و واقعیت بیرون ختم می‌شود: ورطه‌ای به نام «واقعیت چیست؟» در حالی که سینماتوگراف، مستند را روایی، تا وقتی استوار به دوربین، لنز و قلاب باشد (خب! سینماتوگراف مگر بدون اینها معنایی دارد!!!!) یک واقعیت بیشتر ندارد و آن واقعییتی است که خودش می‌سازد. واقعییتی که فیلم مستند

عبدان دانش‌یار

Adnan Daneshyar

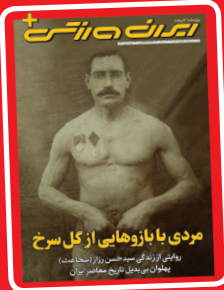
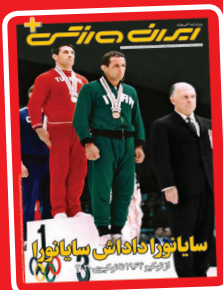


«فوتبال، مسأله مرگ و زندگی نیست. بسیار مهم‌تر از آن است.» بیل شنکلی بوسه مشهور میشل پلاتینی به توپ، آن محبوبه‌اش که به او وفا نکرد، همچون تصویری ابدی بر تارک حافظه تاریخی فوتبال باقی مانده، در مسابقه‌ای که اکنون دیگر شهرت جهانی یافته است، هواداران و شیفتگان خاص خودش را دارد و در میان نسل‌های تازه عاشقان فوتبال نیز آوازه‌ای پیدا کرده است: برزیل - فرانسه: جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک.

پرسشی که می‌تواند راه این مسابقه تاریخی فوتبال را به قلمرو پژوهش‌های فرهنگی هموار کند این است: آیا بر اساس نشانه‌ها و تعاریف پذیرفته شده‌ای که به استناد آنها می‌توانیم یک فیلم را «کالت» بنامیم، بازی برزیل - فرانسه ۸۶ یک «چیز» کالت است؟

بنا بر تعاریف ابتدایی، فیلم کالت فیلمی است که هوادارانی اندک اما سرسپرده دارد اما در بیرون از حلقه این شیفتگان و سرسپردگان، مهجور است و نگاهی را برنمی‌انگیزاند. گرچه این نشانه آخر، در گذر زمان و با راه یافتن آثاری پُر بیننده و نامهجور همچون «کازابلانکا» و «پالپ فیکشن» بر صدر فهرست فیلم‌های کالت، اعتبار خود را از کف داده است. بنابراین، در نگاه نخست، بازی برزیل - فرانسه ۸۶ لوازم بدل شدن به یک کالت را دارد و چه بسا از نگاه برخی می‌تواند کالت باشد (و هست). اومبرتو اکو در گفتاری که بدان اشاره خواهیم کرد نشان داده است که نه فقط فیلم کالت، بلکه یک «چیز» کالت هم می‌تواند وجود داشته باشد. این بسط محدوده‌های تعریفی کالت، به ظاهر می‌تواند ما را در صورت‌بندی بازی مشهور سال ۱۹۸۶ به مثابه یک کالت یاری کند.

با وجود اینها، گمان می‌کنم در کار این صورت‌بندی با دشواری‌هایی جدی رویارو خواهیم بود. کالت یک معبد است که زائرانی دارد. زائر با سیاح یکی نیست. کالت یک چیز «حاضر» و «برقرار» است، تاریخی نیست و اعتبارش را از همین «حضور» و «نا تاریخت» یافته است. اصل کالت هر لحظه و بارها می‌تواند زیارت شود. من می‌توانم اصل



ویژه نامه
آخر هفته

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:

مهدی شفیعی

مدیر مسئول: علی عالی

دستیاران سردبیر:

آرمن ساروخانیان و رسول مجیدی

سرویس فوتبال ایران:

ابراهیم افشار، فرشاد کاس‌نژاد، ناصر قراگزلو، وصال روحانی، حمیدرضا عرب، سعید آقایی، جعفر برزگر، امیر اسدی، محمد قراگزلو، هومن جعفری، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، بهناز میرمطهریان، مهدیه دریابیگی، حسین قهار، سامان موحدی، سام ستارزاده، نوید صراف، سالار علیخواه، مجتبی صدوقی، پویا جاویدان، احسان محمدی، علی مغانی

سرویس ورزش جهان:

اشکان نعمت‌پور، یاسر احمدی،

سیدعلی بلندنظر، حمید کشاورز

سرویس ورزش ایران:

آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور،

محسن آجرلو، ناصر انصافی مقدم،

شکوفه موسوی، وحید جعفری

مدیر فنی: مجتبی رفیعی

مدیر هنری: محسن ذاکری

صفحه آرایی: فرشید بهاری، حامد حسینی، علی

عباسی، نسرین کاظمی

عکس: نعیم احمدی

طرح جلد: شهاب جعفرنژاد

ویراستاران: مسعود قراگزلو، علیرضا عبدالوند،

مهرداد افشار، فرشته معتمدی، معصومه

مهدوی روشن، لیلا امیری، سیده زهرا آرامی

روابط عمومی: سمیه مهدی‌پور

سپاس ویژه از

بهمن فروتن، مجید جلالی، جلال چراغپور،

شهاب پاک‌نگر، رضا درویش

لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

چاپ: ایرانیان

آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸

تلفن: ۱۴-۴۱۱۳۰۴۱۱۳، ۸۸۵۰۴۱۱۳۳

امور مشترکین: ۹۲۲۲۲۴۳۸

سازمان آگهی: ها: ۸۸۵۰۰۶۱۷